

مؤلفه‌های مناظره‌های علمی امام‌رضا (علیه‌السلام):

الگویی برتر برای آزاداندیشی دینی و نشر اسلام در دنیای معاصر

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۰

علیرضا حسینی^۱، محمد غفوری فر^۲، حامد علیزاده^۳، مهدی آریانفر^۴

چکیده

مناظره یکی از روشهای مؤثر برای تبیین دین مبین اسلام و اثبات حقانیت آن است. قرآن کریم به‌مثابه معتبرترین و قطعیت‌ترین سند الهی، مناظره را تأیید کرده و به‌عنوان یکی از روش‌های گفتمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مورد توجه قرار گرفته است. کاربرد این شیوه در مباحثات امام‌رضا (علیه‌السلام) با رهبران و متکلمان برجسته ادیان و فرقه‌های مختلف، به‌دلیل بازتاب گسترده آن در اندیشه اسلام و تشیع، برجستگی خاصی داشته است. به‌دلیل چنین اهمیتی، پژوهش حاضر سعی دارد با روش توصیفی-تحلیلی، مبانی و مؤلفه‌های مناظره‌های علمی امام‌رضا (علیه‌السلام) را بررسی و آنها را که مورد نظر قرآن کریم نیز هست، به‌عنوان مدلی جامع برای آزاداندیشی دینی و نشر اسلام معرفی کند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد مناظره‌های علمی امام‌رضا (علیه‌السلام) را میتوان در سه قالب عمده - شاخص‌های اخلاقی، شاخصهای منطقی و شاخصهای آزاداندیشانه - طبقه‌بندی نمود که تحلیل هر یک از آنها می‌تواند مدلی جامع برای نشر اسلام در دنیای معاصر ارائه کند. بدیهی است، آثار منبعث از چنین پژوهشهایی می‌تواند در تبلیغ و اشاعه فرهنگ و تمدن راستین اسلامی در عصر حاضر، نقشی راهبردی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، امام‌رضا (علیه‌السلام)، مناظره‌های علمی، آزاداندیشی دینی، نشر اسلام.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر بجنورد (نویسنده مسئول): alirhosseyni@yahoo.com
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر بجنورد: m.ghafourifar65@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه فردوسی مشهد: d.alizadeh63@gmail.com
۴. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی بجنورد): ariyanfar@quran.ac.ir

بیان مسئله

در سیره سیاسی و اجتماعی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مناظره‌های امام‌رضا (علیه‌السلام) با رهبران و متکلمان برجسته ادیان و فرقه‌های مختلف، که توسط مأمون عباسی ترتیب داده شده بود، برجستگی خاصی دارد. در زمان ایشان به دلیل شرایط و موقعیتهایی که به طور رسمی و غیررسمی برای آن حضرت پیش آمد، و به جهت تبیین عقاید اسلام که در اثر عواملی مختلف، دچار تزلزل و انحراف شده بود، امام (علیه‌السلام) اقدام به مناظره با اشخاص گوناگون می‌نمودند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های مناظره‌های امام‌رضا (علیه‌السلام) مناظره ایشان با علمای ادیان و سایر فرقه‌های اسلامی در دربار مأمون عباسی است که بازتاب گسترده‌ای در اندیشه اسلام و تشیع داشته است. از آنجاکه اهل بیت (علیهم‌السلام) حافظان و مفسران وحی الهی هستند و سیره عملی آنان بازتاب آیات الهی است، تحلیل و بررسی مناظره‌های امام‌رضا (علیه‌السلام) با متکلمان و رهبران برجسته ادیان در راستای پاسخ به این پرسش که «مناظرات مورد نظر قرآن کریم باید از چه مبانی و مؤلفه‌هایی برخوردار باشد؟» ضروری به نظر می‌رسد زیرا در عصر حاضر، آثار منبعث از چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در تبلیغ و اشاعه فرهنگ و تمدن راستین اسلامی، نقشی راهبردی داشته باشد.

سؤال پژوهش

۱. مبانی و مؤلفه‌های مناظره‌های علمی امام‌رضا (علیه‌السلام) کدام است؟

۱. پیشینه پژوهش

آثار پژوهشی مختلفی درباره مناظره‌های رضوی انجام شده است. «تحلیل گفتمان مناظره‌ها و مجادله‌های حضرت رضا (علیه‌السلام) با دگرهای گفتمانی» اثر منصور

میراحمدی و امیر رضائی پناه به تحلیل گفتمانی مناظرات امام رضا (علیه السلام) پرداخته است. «اصول علمی و اخلاقی مناظره های رضوی» نوشته فریبا رضازاده کهگی و علیرضا فارسی نژاد؛ «روش شناسی مناظرات امام رضا (علیه السلام)» نوشته حسن امینی فر؛ «مناظرات امام رضا (علیه السلام)؛ ویژگی ها و روش ها» نوشته حسن تقی زاده؛ «امام رضا (علیه السلام) و الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب: مسئله پلورالیسم دینی هنجاری در فرهنگ رضوی» اثر مهدی گنجور و محمد بیدهندی از آن جمله هستند.

آثار فوق گویای این مطلب است که هر یک از آنها بنا به اهتمام ویژه پدیدآورندگان شان به جنبه خاصی از مناظره های امام رضا (علیه السلام) اختصاص یافته است. اما تاکنون در خصوص تبیین مؤلفه های مناظره های علمی امام رضا (علیه السلام) مطالعات و پژوهشهای نظام مندی صورت نگرفته است؛ لذا نوع تحلیل و بررسی ما در این مجال بیانگر زاویه و دیدی خاص و متمایز است که در این زمینه سابقه نداشته و می توان پژوهش حاضر را اثری بدیع در این زمینه دانست.

۲. مفهوم شناسی مناظره

واژه مناظره از لحاظ لغوی به معنای دیدن با چشم است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۱۹۱) و در اصطلاح عبارت است از: «المباحثة و المباراة فی النظر و استحضار کل ما یراه ببصیرته و النظر البحث و هو اعم من القیاس لان کل قیاس نظر و لیس کل نظر قیاسا.» (گفتگو و نکته بینی طرفین به صورت رودررو و به میان آوردن هر آنچه بدان معتقد هستند و نظر عبارت است از کاوش، و آن نسبت به قیاس اعم است زیرا هر قیاسی، نظر است ولی هر نظری، قیاس نیست) (راغب اصفهانی، بی تا: ۴۹۸).

به عبارت دیگر، مناظره به معنای گفتگویی دوجانبه است که هر یک از طرفین، با استدلال و ارائه براهین، تلاش دارد تا برتری دیدگاه خود را به دیگری نشان دهد.

۳. مناظره در قرآن

مناظره یکی از شیوه‌های ارتباط کلامی برای بیان دیدگاه و باورهاست که در قرآن کریم نیز مورد توجه قرار گرفته است. ذیل آیاتی که در آنها سرگذشت پیامبران الهی به تصویر کشیده شده، به موارد فراوانی از مباحثه و مناظره آنها با افراد قوم خود نیز اشاره شده است. یکی از زیباترین بازتاب‌های چنین مناظره‌هایی، مناظره حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) با مشرکان زمان خویش به‌ویژه نمرود است. آن حضرت در جریان مناظره‌های خود تلاش می‌کرد با ارائه پرسش‌هایی جذاب و بنیادی، اندیشه و وجدان مخاطبان‌ش را تحریک کند. برای نمونه، در مناظره با نمرود، جایی که وی ادعای خدایی می‌کند، می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ» (خداوند، خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآور) (بقره/ ۲۵۸).

در اینجا حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) در صدد اثبات ناتوانی نمرود از عملی کردن ادعایی که مطرح کرده، است. همچنین آن حضرت خطاب به مشرکان بت‌پرست، از آنها می‌پرسد: «قَالَ هَلْ يُسْمِعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ* أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ» (گفت: آیا وقتی دعا می‌کنید، از شما می‌شنوند؟ و یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟) (شعراء/ ۷۲- ۷۳).

حضرت با طرح چنین پرسش‌هایی در صدد به‌چالش کشیدن باورهای شرک‌آمیز مخاطبان‌ش بود. نمونه دیگری از مناظره پیامبران الهی در قرآن کریم، مناظره‌های پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با مشرکان است که در قرآن کریم به‌ویژه در سوره اسراء (آیات ۵۴ تا ۸۹) به آنها اشاره شده است.

همچنین می‌توان به مناظره آن حضرت با یکی از مشرکان درباره بحث معاد و زندگی پس از مرگ، اشاره کرد. روزی یکی از مشرکان با در دست گرفتن استخوان‌های پوسیده و خرد کردن آنها مقابل دیدگان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از رسول خدا پرسید: چه کسی این استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با استفاده از وحی الهی چنین به او پاسخ داد: «أَوَلَمْ يَرِ

الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ* وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ* قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ.» (مگر آدمی ندانسته است که ما او را از نطفه‌ای آفریدیم، پس بناگاه، وی ستیزه‌جویی آشکار، شده است و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد. گفت: چه کسی این استخوان‌ها را که چنین پوسیده است، زندگی می‌بخشد؟ بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هرگونه آفرینشی داناست) (یس / ۷۷ - ۷۹).

موارد فوق نمونه‌هایی از مناظره‌هایی است که قرآن کریم گزارش می‌کند. بررسی این مناظره‌ها بیرون از موضوع این پژوهش بوده و مجال دیگری می‌طلبد، ولی از همین نمونه‌های اندک می‌توان دریافت که مناظره، یکی از شیوه‌های کلامی مؤثر و مورد تأکید قرآن است که پیامبران الهی برای تفهیم اندیشه الهی به افراد قوم خود، از آن بهره گرفته‌اند.

۴. عنوان‌های مناظره‌های هفت‌گانه امام رضا (علیه السلام)

اگرچه مناظره‌های امام رضا (علیه السلام) فراوان است، از میان آنها، مناظره‌های هفت‌گانه ایشان برجستگی خاصی دارد. عنوان‌های این مناظره‌ها طبق آنچه شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا و علامه مجلسی در جلد ۷۷ بحار الانوار از کتاب عیون نقل کرده و در کتاب مسند الامام الرضا (ج ۳) نیز آمده، بدین صورت است:

۱. مناظره با جاثلیق (۱)؛

۲. مناظره با رأس الجالوت (۲)؛

۳. مناظره با هر بیز اکبر (۳)؛

۴. مناظره با عمران صابئی (۴).

این چهار مناظره در یک مجلس و با حضور مأمون و جمعی از دانشمندان و رجال خراسان صورت گرفت.

۵. مناظره با سلیمان مروزی (۵) که مستقلاً در یک مجلس با حضور مأمون و اطرافیان صورت گرفت.

۶. مناظره با علی بن محمد بن جهم (۶).

۷. مناظره با بزرگان مذاهب مختلف در بصره.

هر یک از این مناظره‌ها دارای محتوایی عمیق و جالب است که حتی امروزه هم با گذشت سالیان دراز از آن تاریخ، راهگشا و روشنگر و بسیار آموزنده و پر بار است.

۵. مؤلفه‌های مناظرات امام‌رضا (علیه‌السلام)

چنان‌که پیش از این بیان شد، مناظره‌های امام‌رضا (علیه‌السلام) با متکلمان و رهبران برجسته ادیان و مکاتب مختلف، یکی از بهترین نمونه‌های مناظره برای اثبات حقانیت دین اسلام و نشر آن به‌شمار می‌آید. با بررسی و تحلیل این مناظره‌ها، برای ارائه پاسخ شایسته به این پرسش که جدال احسن مورد نظر قرآن کریم باید از چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی برخوردار باشد، به استخراج شاخص‌های برجسته مناظره‌های آن حضرت پرداخته و آنها را در سه قالب عمده شاخص‌های اخلاقی، شاخص‌های منطقی و شاخص‌های آزاداندیشانه، طبقه‌بندی نمودیم تا به‌عنوان مدلی جامع برای نشر اسلام در دنیای معاصر مدنظر قرار گیرد.

۱-۵ مؤلفه‌های اخلاقی

امام‌رضا (علیه‌السلام) در مناظره‌های خود کوشیده‌اند تا یک سیره اخلاقی را در

میان مردم پایه‌گذاری کنند لذا با بررسی مناظره‌های آن حضرت با متکلمان و رهبران برجسته‌ی ادیان و مذاهب مختلف و نحوه‌ی تعامل و برخورد ایشان با این گروه‌ها، موارد زیر به‌عنوان ویژگی‌های برجسته‌ی اخلاقی آن حضرت معرفی می‌شود.

۱-۱۵ انصاف‌مداری در گفتگو

یکی از شاخص‌های اساسی مناظره و مناظره‌کنندگان رعایت انصاف در کلام است زیرا رعایت‌نکردن آن سبب بی‌فایده و بی‌نتیجه‌بودن بحث خواهد شد.

امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز در مناظره‌های خود به این اصل مهم بسیار ملتزم بوده و سعی می‌کردند پیش از ورود به بحث، آن را به مخاطب خود گوشزد کنند.

در مناظره‌های آن حضرت برای این شاخص، نمونه‌های فراوانی یافت می‌شود. برای نمونه، آن حضرت در مناظره با عمران صابئی، در مواردی به وی متذکر می‌شدند: «سَلِّ يَا عَمْرَانُ وَ عَلَيكَ بِالتَّصْفَةِ وَ اِيَّاكَ وَ الخَطْلُ وَ الجُور» (ای عمران، هرچه می‌خواهی بپرس؛ اما بی‌انصافی نکن و از سخنان بیهوده و باطل بپرهیز) (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۳۱۰).

همچنین ایشان هنگامی که می‌دیدند طرف مقابل کلمات منصفانه بر زبان جاری می‌ساخت، به انصاف طرف مقابل اقرار و می‌فرمودند: «انصاف به خرج دادی» (قلندری، ۱۳۸۱: ۴۰).

۲-۱۵ احترام و تکریم متقابل

یکی دیگر از مبانی اخلاقی برجسته‌ی مناظره‌های آن حضرت احترام و تکریم متقابل طرف مناظره است. ایشان در هیچ‌یک از مناظره‌ها به کسی توهین نکردند و همواره بر احترام به دیگران و پرهیز از کاربرد الفاظ زشت و ناپسند تأکید نموده و می‌کوشیدند

تا با پایه‌ریزی یک سیره اخلاقی، فضای دوستی را در گفتگوها حاکم کنند.

امام‌رضا(علیه‌السلام) با وجود جایگاه والای علمی و برخورداری از منبع سرشار فیض الهی، هیچگاه در هنگام مناظره، طرف مقابل را تحقیر نمی‌کردند و حتی اگر اطرافیان، طرف مناظره را تمسخر و استهزا می‌کردند، آنها را به ملایمت دعوت می‌کردند. چنانکه در مناظره آن حضرت و سلیمان مروزی رخ نمود، آنگاه که تمام راه‌های جواب را بر سلیمان بست و سلیمان شروع به تناقض‌گویی کرد، همه افراد حاضر در جلسه به سلیمان خندیدند. امام(علیه‌السلام) رو به مردم کرد و از آنان خواست نسبت به سلیمان ملایمت به خرج دهند و پس از آن، گفتگو را ادامه دادند(قرشی، ۱۳۸۲، ج: ۱: ۱۹۵).

در نمونه‌ای دیگر، امام‌رضا(علیه‌السلام) در اثنای مناظره با عمران صابئی او را فراخواندند و پس از تکریم و احترام، به وی چند جامه و چند هزار درهم عطا فرمودند(مجلسی، ۱۳۸۶، ج: ۱۰: ۳۱۸).

برخورد احترام‌آمیز امام‌رضا(علیه‌السلام) با مخالفان سبب شده بود حتی مخالفان آن حضرت نیز تحت تأثیر عظمت و شخصیت والای ایشان قرار بگیرند و همواره در تقابل با ایشان، خشوع داشته باشند. عمران صابئی با وجود آنکه از علمای بزرگ عصر خویش به‌شمار میرفت، در برابر امام‌رضا(علیه‌السلام) فروتن بود و آن بزرگوار را با تعبیرهایی چون «سیدی» و «مولای» خطاب می‌کرد(همان: ۳۱۵).

۱-۲ پرهیز از نقد شخصیت افراد

از نکات جالب توجه در مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) خودداری از نقد شخصیت افراد به‌جای نقد استدلال است زیرا با بررسی مناظره‌های آن حضرت، مشخص می‌شود که ایشان در هیچ‌یک از مناظره‌ها کاری به شخصیت افراد نداشته و مخاطبان را به دروغ‌گویی و مغالطه‌کاری متهم نمی‌کنند بلکه تنها استدلال‌های آنان را نقد

می کنند و نقاط اشتباه و انحراف آنان را متذکر می شوند. در مقابل چنین رفتاری مشاهده می کنیم که افرادی نظیر جاثلیق از تنها فرصتی که برای نقد شخصیت امام (علیه السلام) پیدا می کند، استفاده و آن حضرت را به جهل و ناتوانی علمی متهم می کند (ابن بابویه، ۴۱۷ ق، ج ۱: ۳۸۵).

۲-۵ مؤلفه های منطقی

منظور از این شاخص ها آن دسته از اصول و قواعدی است که اندیشه و تفکر صحیح و نظام مند پیرامون یک موضوع، نیازمند رعایت آنهاست. مناظره های امام رضا (علیه السلام) دارای چنین شاخص های برجسته ای است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱-۲-۵ نظم و ساختار منطقی مباحث

تنظیم و ارتباط معنایی الفاظ گفتار جزء شاخص های اجتناب ناپذیر سخن مفید و جهت دار در یک مناظره علمی است. از این رو، مجموعه یک بحث اساسی باید عنوان، دسته بندی، تحلیل و جمع بندی و پایان مناسبی داشته باشد تا هر دو طرف مناظره، به خوبی آن را بفهمند و درک کنند.

امام رضا (علیه السلام) در جریان مناظره های علمی خود با تأکید بر این شاخصه مهم و با تکیه بر سیر منطقی مباحث، سخن را به گونه ای تنظیم می فرمودند که هر گونه ابهامی را در این زمینه، برطرف سازد تا طرف مقابل، حقیقت را به طور کامل دریابد و مجذوب کلام گردد.

حضرت در پاسخ به اولین پرسش عمران صابئی درباره نخستین موجود، فرمود: «سؤال کردی، اینک پاسخ آن را دریاب! اما خداوند یگانه، از ازل، بی همتا بوده و

موجودی است که همراه او هیچ چیزی نبوده است. بی‌آنکه حدود و اعراض، به ساحت او راه یافته باشد و همواره چنین است. او سیر مخلوقات را به شکل بی‌سابقه ابداع و اعراض مختلف و حدود گوناگون آفرید. آفرینش بدیع را نه در ظرف چیزی داشت و نه درون چیزی که مخلوق او نباشد محدود ساخت. نه با چیزی برابر ساخت، نه با چیزی مشابه قرار داد. سپس، خداوند سبحان، مخلوقات را بسیار متنوع آفرید: خالص، غیرخالص و مختلف، دارای همسازی و وحدت و دارای رنگ‌ها، مزه‌ها و طعم‌ها و نظایر آن. این آفرینش، نه دلیل نیاز خداوند به مخلوق بود و نه برای کسب مرتبه‌ای که خداوند به‌منظور دست‌یافتن به آن، محتاج خلقت کائنات باشد. همچنان که در جریان خلقت، ذات مقدسش؛ نه افزایشی داشت و نه کاهشی. ای عمران! آنچه را گفتم تعقل کردی؟». عمران گفت: بلی، به خدا سوگند، سرورم؛ سپس افزود: «ای عمران! بدان، اگر به فرض، خداوند سبحان، میخواست آنچه را که آفریده از روی نیاز خلق کند، در این صورت، باید تنها چیزی را می‌آفرید که به‌وسیله آن برای رفع نیازش مدد گیرد. در این صورت نیز شایسته بود که خداوند، چندین برابر مخلوقاتی که آفریده است را پدید آورد؛ زیرا هر اندازه موجودی از کمک بیشتری برخوردار باشد، نیرومندتر می‌شود. ای عمران! احتیاج برای خداوند قابل تصور نیست زیرا اگر پدیدآوردن مخلوقات به‌منظور رفع احتیاج صورت گیرد، هریک از آنها به‌نوبه خود سبب مطرح‌شدن احتیاجی دیگر خواهد بود. بدین جهت است که می‌گوییم خداوند متعال، مخلوقات را از روی احتیاج نیافرید بلکه احتیاج را در قلمرو مخلوقات پدیدار ساخته است تا از ناحیه برخی از آنها به جانب برخی دیگر منتقل شود و گروهی از مخلوقات را، بر گروه دیگر ترجیح داده، بی‌آنکه به آنچه برتر نهاده، نیازمند باشد یا با آنچه که فروتر ساخته، خصومت ورزد. آری، او بدین ترتیب موجودات را آفریده است.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۳۳۳-۳۳۸).

۲-۲-۵ استناد به منابع طرف مناظره و تکیه بر دلایل مستدل و مستند

احتجاج در بحث و مناظره باید با استناد به منابع مورد قبول طرف مناظره بوده و مستدل و مستند باشد؛ بدین صورت که بیان مطالب، اخبار و آمار باید معتبر و مستند باشد و از مطالب دروغ و بی اساس که با منطق و عقل سازگار نیست، خودداری شود. به موجب این اصل، نقل مطالب کذب و ضعیف افزون بر اینکه از نظر اخلاقی صحیح نیست، ارزش مطلب را نیز خدشه دار می سازد.

امام رضا (علیه السلام) در مناظره های خود به این موضوع توجه شایانی داشته و می فرماید: «آیا منصف ترین افراد، کسی نیست که در مناظره با خصم خود، با کتاب و پیامبر و شریعت او به مناظره برخیزد؟» (همان، ج ۴۹: ۸۰).

رأس الجالوت پذیرش مناظره با امام رضا (علیه السلام) را مشروط کرد به اینکه دلایل و براهینی که آن حضرت در جریان مناظره ارائه می کند، در تورات، انجیل، زبور یا در صحف حضرت ابراهیم و موسی (علیه السلام) موجود باشد. آن حضرت نیز به این تقاضا پاسخ مثبت دادند و فرمودند: «هیچ دلیلی از من می پذیرم مگر آنچه در تورات به زبان موسی بن عمران (علیه السلام) در انجیل به زبان عیسی بن مریم (علیه السلام) و در زبور به زبان داود (علیه السلام) نقل شده باشد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۴۲۷).

همچنین امام (علیه السلام) ضمن بیان یک مطلب منبع آن را نیز ذکر می کردند و طرف مناظره را به آن ارجاع می دادند. مناظره ایشان با رأس الجالوت و سلیمان مروزی نمونه برجسته این مدعاست.

حضرت در مناظره با رأس الجالوت از وی پرسیدند: آیا مطالب مربوط به حزقیال پیامبر (علیه السلام) را در تورات دیده ای که پنج هزار نفر را پس از گذشت شصت سال از مرگشان زنده کرد؟ در این مناظره برای اثبات نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) یکبار وی را به کتاب «اشعیا» و بار دیگر به «زبور» داود (علیه السلام) ارجاع داد (همان).

سلیمان مروزی در مناظره با امام رضا (علیه السلام) به شیوه جدل، به مغالطات جدلی

می‌پرداخت، بی‌آنکه از روحیه انعطاف‌پذیری برخوردار باشد، اما آن حضرت در مناظره با وی، به‌جای تکیه بر مغالطات جدلی، از دلایل محکم بهره می‌گرفت و با ورود به بحث از راه‌های مختلف، در عین آزادگذاشتن رقیب در مناظره، سرانجام وی را به پذیرش سخنان خود ملزم می‌کرد. در این مناظره که پیرامون اراده خداوند شکل گرفت، امام‌رضا(علیه‌السلام) از سلیمان پرسید: «ای سلیمان! به من بگو، آیا اراده فعل است یا چیزی دیگر؟» عرض کرد: آری، اراده فعل است. امام(علیه‌السلام) فرمود: «پس اراده حادث است زیرا افعال، همه حادثند.» سلیمان که خود را در تنگنا می‌دید، بار دیگر گفت: اراده فعل نیست. امام(علیه‌السلام) افزود: «در این صورت، باید گفت که از ازل، هویت دیگری جز خدا با او همراه بوده است!». سلیمان پاسخ داد: «اراده، همان انشاء و ایجاد است.» امام(علیه‌السلام) فرمودند: «سخنی که می‌گویی همان سخن ضرار و پیروان اوست که شما و یارانت، آن را زشت و ناروا شمرده‌اید. ضرار بیان داشته است که هر آنچه خداوند در آسمان، زمین، خشکی و دریا، از سگ، خوک، میمون، انسان و هر جنبنده دیگر آفریده، همگی حاکی از اراده خداوند بوده و تجسم اراده خدا، که همان مخلوق است، زنده می‌شود، می‌میرد، راه می‌رود، می‌آشامد، زناشویی می‌کند، لذت می‌برد، ستم می‌کند، کار زشت انجام می‌دهد و کافر و مشرک می‌شود.» در این‌جا، سلیمان بار دیگر مدعای خود را تغییر داد و گفت: اراده، مانند شنیدن، دویدن و دانستن، یک صفت است. بدین ترتیب، سلیمان آنگاه که از ارائه پاسخ ناتوان می‌ماند، با تغییر دیدگاه خود از اراده حضرت حق به‌عنوان «صفت» و نه «فعل الهی» یاد می‌کرد. امام(علیه‌السلام) نیز متقابلاً مناظره را با روش دیگری ادامه می‌داد. این امر نشان می‌دهد که مسئله یادشده تا چه حد برای امام(علیه‌السلام) روشن و مستدل بوده که وی به شیوه‌های گوناگون برهان خود را برای رقیب اقامه فرموده‌است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۳۳۳ - ۳۳۸).

۲-۲-۵ هدف مناظره: اقناع و روشنگری

در جریان مناظره، هنگامی که طرف بحث دریابد که هدف طرف مقابل، سوداگری و منفعت طلبی صرف نیست، ارتباط موفق تری میان طرفین برقرار می گردد. امام رضا (علیه السلام) در مناظره با علمای اهل کتاب، با پرهیز از تعصب در استناد به قرآن کریم و بیان استدلال هایی از کتاب های مورد وثوق طرف مناظره، به درستی هدف مناظره را روشنگری و عدم منفعت طلبی بیان کردند.

برای نمونه، حضرت در مناظره با جاثلیق، زمانی که آن حضرت، استدلال های دقیق و علمی خویش را ارائه کردند و تناقض در افکار و عقاید جاثلیق بر همگان آشکار شد، وی از ایشان درخواست کرد که از ادامه این بحث او را معاف فرمایند. حضرت هم که دلایل کافی را ارائه فرموده بودند، برای پرهیز از تحقیر علمی وی نزد افراد حاضر در جلسه مناظره، درخواست جاثلیق را پذیرفتند و ادامه بحث را نیز به وی واگذار کردند (طبرسی، ۱۹۶۶م: ۱۷۸ - ۱۸۶).

۲-۲-۵-۴ ارائه نتیجه مطلوب

یک مناظره مطلوب و مؤثر، مناظره های است که روند اجرای آن به گونه ای پیش رود که در نهایت، گفتگوها و مباحث مطرح شده در آن منجر به ارائه یک نتیجه مطلوب، کارآمد و هدفمند برای مخاطبانش باشد. چنین ویژگی ای از شاخص های منطقی برجسته مناظره های امام رضا (علیه السلام) است.

آن حضرت در مناظره با متکلمان و رهبران ادیان و مذاهب مختلف، سبب اقناع و سکوت آنان در برابر اندیشه اسلامی و تشیع گردیده و به آنان ثابت نمودند که به بن بست رسیده اند و نمی توانند سعادت بشر را تأمین کنند. برخی از رهبران ادیان مختلف به ضعف خود اذعان کردند و برخی دیگر مسلمان شدند.

به‌عنوان نمونه، عمران صابئی مناظره‌های طولانی با امام‌رضا(علیه‌السلام) دارد. نوفلی می‌گوید: سؤال و جواب بین امام(علیه‌السلام) و عمران صابئی طولانی شد و آن حضرت او را در بیشتر مسائل مجاب کرد تا به آنجا رسید که عمران صابئی گفت: «ای آقای من! شهادت می‌دهم تو چنان هستی که وصف کردی! ولی یک مسئله باقی مانده است.»(همان). مسئله بعدی و آخرین مسئله را پرسید و حضرت به خوبی پاسخ وی را داد. آنگاه گفت: «آقای من! فهمیدم و شهادت می‌دهم که خداوند همان‌گونه است که شما به یگانگی توصیفش کردی و محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) بندهای برانگیخته برای هدایت بشر است.» آنگاه، رو به قبله به سجده افتاد و اسلام آورد(همان).

در نمونه‌ای دیگر، جاثلیق هنگامی که از مناظره با امام‌رضا(علیه‌السلام) در مانده شده بود و هیچ راهی برای رهایی از شکست نداشت، اعتراف کرد: قسم به حق مسیح که گمان نمی‌کردم در میان مسلمانان شخصی مانند شما باشد(مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۱).

۵-۲-۵ بیان اصول و معیارهای کلی عقلانی

مناظره روشمند مناظره‌های است که از گفتگو و تبادل فکری میان طرفین آن بتوان به بسیاری از اصول و معیارهای کلی عقلانی مورد اعتقاد آنها پی برد. مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز خالی از این مطلب نبوده است. با بررسی مناظره‌های آن حضرت می‌توان بسیاری از اصول و معیارهای کلی عقلانی مورد اعتقاد ایشان را استخراج کرد.

برای نمونه، امام‌رضا(علیه‌السلام) در مناظره با عمران صابئی، در مقام تبیین مسئله توحید، به اصول و قضایای کلی اشاره فرموده است که می‌تواند پاسخگوی شبهات و سؤال‌های متعدد باشد. به‌منظور رهیافت به این قواعد، بخشی از کلام آن حضرت

را بازگو می‌کنیم:

«بدان که خداوند بی‌همتا که خود قائم به ذات خویش و فراتر از مرز تقدیر (اندازه‌گیری) و فوق تحدید است، مخلوقات را بر مبانی حدود و تقدیر (اندازه و قانون) آفرید. آنچه خداوند آفرید، دو حقیقت است: تقدیر و مقدر، و خداوند چنین مقرر فرموده که هر یک با ذات خود قابل درک بوده باشد. خداوند سبحان، هیچ موجودی را منفرد و قائم به نفس و بی‌نیاز از غیر نیافریده است. او از این وابستگی مخلوقات به یکدیگر اراده فرموده است که مردم را سوی خود دلالت و وجود خویش را اثبات نماید. خداوند تبارک و تعالی، فرد و بی‌همتا است و ذات دیگری وجود ندارد که وجود حق را بر پا داشته، او را یاری کند و نگهدار باشد. این آفریدگانند که به اذن و مشیت الهی برخی توسط برخی دیگر نگهداری می‌شوند و البته، جز این نیست که مردم در این مسائل گمراه و متحیر شوند و به وسیله ظلمت، از ظلمت خلاص و نجات جویند! خداوند عزوجل را با صفات او و مخلوقات را نیز با صفات و ویژگی‌های آنان توصیف می‌کردند، به عقیده‌ای که بر مبنای فهم و یقین باشد نایل آمده و اختلاف نمی‌ورزیدند. اما بدینجهت که از این مباحث موجبات حیرت را جستجو کرده، به اضطراب افتاده و گرفتار شده‌اند، و خداوند هر کس را بخواهد به صراط مستقیم هدایت می‌کند.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۳۱۶).

اصول کلی که از این مناظره برداشت می‌شود:

۱. خداوند متعال، قائم به ذات خویش است؛ یعنی وجود اقدس ربوبی «موجود بذاته» است که در قوام خود کمترین نیازی به علت و سبب دیگری ندارد.
۲. هرگونه حدّ و اندازه‌های از ذات اقدس الهی به دور است.
۳. خداوند متعال، چنین خواسته است که مخلوقات دارای تقدیر و تحدید باشند.
۴. خداوند سبحان هم خالق است و هم مقدر زیرا مخلوقات دارای «اندازه و قانون» بوده و همه کائنات با اندازه دقیق و قانونمند ایجاد شده‌اند.

۵. خداوند متعال چنین مقدر فرموده است که تقدیر و مقدر، هر یک به‌وسیله دیگری درک شود و نیز، هر یک به ذات خود قابل درک بوده باشد.

۶. خداوند سبحان، هیچ موجودی را قائم بالذات و بی‌نیاز از غیر نیافریده و از این وابستگی مخلوقات به یکدیگر، اراده نموده که مردم را سوی خود، دلالت و وجود خود را اثبات کند.

۷. خداوند تبارک و تعالی، فرد، بی‌همتا و بی‌نیاز از آن است که به غیر خود متکی بوده، مورد یاری قرار گیرد.

۸. خطاها و اشتباهات مردم در موارد یادشده موجب گردیده که صفات خداوندی را با صفات خود مقایسه کنند. مردم نمی‌دانند که این مقایسه‌ها به دوری از حق و حقیقت می‌انجامد. گویی می‌خواهند تاریکی را به‌وسیله تاریکی روشن سازند! و به همین جهت، گویی که بخواهند، از فهم و یقین محروم مانند (هاشمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۵۷۲ - ۵۷۶).

۵-۲-۶ استفاده از مسلمات خصم

استفاده از مسلمات خصم یکی از روش‌های مورد استفاده در مناظره است. امام‌رضا (علیه‌السلام) بارها در مناظره‌های خود، ابتدا از فرد مقابل نسبت به موضوعی که قرار است پایه استدلال قرار گیرد، اعتراف می‌گرفت.

به‌عنوان نمونه، امام (علیه‌السلام) در مناظره با جاثلیق به وی می‌فرماید: «تو را سوگند می‌دهم، آیا در انجیل این است که یوحنا گفت مسیح مرا از آیین محمد عربی خبر داد و به من مژده داد که پس از او محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌آید، من نیز این مژده را به حواریون دادم و آنها به محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ایمان آوردند؟» جاثلیق در پاسخ می‌گوید: یوحنا، به نبوت مردی و نیز به خاندان و وصی او مژده داده، ولی روشن

نکرده که او، چه موقعی ظهور می کند و نام آنها را بیان نکرده است. امام (علیه السلام) فرمود: «اگر کسی را بیاوریم که نام محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان و پیروانش را از انجیل بخواند، به او ایمان می آوری؟» جاثلیق میگوید: آری، ایمان محکم! سپس امام (علیه السلام) نام محمد و خاندان و پیروانش را از انجیل قرائت کرد... جاثلیق گفت: آنچه را وجودش در انجیل برای من ثابت و روشن شد انکار نمی کنم و به آن اعتراف دارم. (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق، ج: ۱، ۳۲۰). وقتی حضرت از جاثلیق اعتراف گرفتند که حضرت عیسی به آمدن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بشارت داده است، رو به رأس الجالوت، عالم یهودی، نمودند و فرمودند: «ای رأس الجالوت، صفر فلان را از زبور داود گوش کن». رأس الجالوت گفت: خدا بر تو و خاندان تو مبارک گرداند، بخوان. پس حضرت، صفر اول را از زبور داود، تلاوت کرد تا اینکه به نامهای محمد (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام)، فاطمه (علیها السلام) حسن و حسین (علیهما السلام) رسید و فرمود: «من از تو سؤال می کنم، ای رأس الجالوت! به حق خدا بگو و گواهی بده که آیا این در زبور داود هست؟ و ترس! من همان امان و عهد ذمه که نسبت به جاثلیق دادم به تو نیز دادم.» در این هنگام، رأس الجالوت گفت: بله، عین این در زبور هست. حضرت فرمودند: «به حق آیات ده گانه ای که خداوند بر موسی نازل کرده است! آیا صفت محمد (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام)، فاطمه (علیها السلام) حسن و حسین (علیهما السلام) را در حالی که عدل و فضل را به آنان نسبت داده است در تورات میبایی؟». رأس الجالوت پاسخ داد: بله، این گونه است و هر کس این مطلب را انکار کند به پروردگار خویش و پیامبران او کافر گشته است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۹: ۷۷).

چنان که بیان شد، امام رضا (علیه السلام) با بهره گیری از متن مورد قبول جاثلیق (انجیل) و متن مورد قبول رأس الجالوت (تورات) موفق شد او را به اعتراف وادار کند.

۳-۵ مؤلفه های عاطفی (روحی، روانی)

منظور از مؤلفه های عاطفی آن دسته از ویژگی هایی است که روح و روان آدمی را

تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌عنوان یک نیروی انگیزشی برخوردار از عاطفه، نقش بسیار مهمی در اقناع و پذیرش قلبی و درونی مطالب از سوی مخاطب دارد. مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز دارای چنین شاخص‌های برجسته‌ای است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۵-۳-۱ مخاطب‌شناسی و عمل بر طبق مقتضای فهم طرف مناظره

در احادیث دینی بیان شده است که وظیفه انبیا و امامان معصوم(علیهم‌السلام) این است که در گفتگو با مردم، بر اساس استعداد عقلی و سطح فکری و شخصیت متفاوت آنان سخن بگویند تا مردم سخن آنها را درک کنند.

امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز همواره این اصل را در مناظره‌های خود با متکلمان و بزرگان ادیان و مذاهب مختلف رعایت می‌کردند. آن حضرت همیشه در مناظره‌هایش متوجه ویژگی‌های روحی، استعداد عقلی و سطح فکری و علمی طرف مقابل بود و بر اساس آن عمل می‌کرد زیرا چنین روشی تأثیر انگیزشی بسیاری جهت فهم و پذیرش مطلب مورد گفتگو دارد.

حضرت در برخورد با علمای ادیان دیگر یا از روش عقلی و استدلالی بهره می‌گرفتند و یا از روش نقلی؛ یعنی ارجاع به کتاب‌های مقدس خودشان و اقوال بزرگان آنها. اما در مناظره با متکلمان اسلامی، علاوه بر توسل به استدلال عقلی، از آیات قرآن و اقوال تاریخی نیز بهره می‌جستند، به طوری که در مناظره ایشان با سلیمان مروزی، مأمون، علیبن محمدبن جهم و... شاهد این امر هستیم(شجاعی گلپایگانی، ۱۳۷۳: ۱۶۰).

در نمونه دیگر، امام‌رضا(علیه‌السلام) در مناظره با یحیی بن ضحاک سمرقندی، درباره موضوع امامت، با استفاده از سخنان و عبارتهای خلفای راشدین(ابوبکر و عمر) به اثبات امامت خویش پرداختند(عطاردی، بی‌تا: ۶۲۰).

همچنین آن حضرت، گاهی با آوردن نمونه از ادیان دیگر، فهم مطلب و استدلال را آسان تر میکردند؛ چنانکه در مناظره با ابوقره، زمانی که می گفت: به ما گفته شده است، همه کتابها روز قیامت می آیند، درحالی که مردم در یک صف برای پروردگار جهانیان ایستاده اند و نگاه می کنند تا اینکه آن کتابها به سوی او برمی گردند زیرا آنها قسمتی از او هستند و او جزئی از آنهاست، پس به سوی او بر می گردند. امام (علیه السلام) می فرماید: «نصارا گفتند که مسیح، روحی از خدا و جزئی از او بود و به سوی او بازمی گردد. همچنین، مجوسیان گفتند که آتش و خورشید جزئی از خدا هستند و به سوی او بازمی گردند درحالی که خدا برتر از همه اینهاست که قابل تجزیه و یا مختلف باشد.» (طبرسی، ۱۹۶۶: ۳۹۵).

۵-۳-۲ بهره گیری از قول لئین

یکی از شرایط تأثیرگذاری و نفوذ کلام در مناظره استفاده از سخن نرم و آهنگ گرم و دلنشین است. تأثیر این شیوه تا بدان جااست که خداوند تبارک و تعالی، حضرت موسی (علیه السلام) و هارون را در برخورد با فرعون، ملزم به رعایت این شیوه می کند: «قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (با نرمی سخن بگوئید، شاید متذکر شود و از عذاب خداوند بیم یابد) (طه/۴۴). و در جای دیگر، در رمز موفقیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) میفرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (اگر خشن و دلسخت می بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می شدند) (آل عمران/ ۱۵۹).

استفاده از سخن نرم و دلنشین از چنان ارزشی برخوردار است که امام علی (علیه السلام) استفاده از آن را بخشی از عبادت دانسته اند (آمدی، ۱۳۴۶، ج ۱: ۱۵۷).

با نگاهی به مناظره های امام رضا (علیه السلام) و نوع کلمات و عبارتهای استفاده شده توسط ایشان، روشن می گردد که در کنار توجه به اندیشه های مخاطبان، به دل و فطرت آنان نیز توجه شده است؛ چنان که لحن گفتارها و کیفیت تغییر لحن

حضرت، گویای این حقیقت است.

آن حضرت برای تأثیر هرچه بیشتر سخن در طرف مقابل خود و رسیدن به درک همدلانه با او، همواره مطالب را نرم، ملایم و در قالبی موزون بیان می‌کرد و از بیان معانی و مفاهیم تند، رنج‌آور و ناراحت‌کننده امتناع می‌ورزید.

در مناظره‌های ایشان آنچه جلوه‌ این مهم را نشان می‌دهد، شوق و تمایل مخاطب برای ادامه بحث است. به وضوح می‌توان در مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) شاهد بود که صحبت‌های ایشان، چنان در مخاطب تأثیر می‌گذاشت که وقتی آن حضرت، صحبت‌هایش را پایان می‌داد، مخاطب، مشتاقانه، به شنیدن مطالب بیشتر اصرار می‌نمود. برای مثال، سلیمان مروزی، که یکی از مناظره‌کنندگان با آن حضرت بود، پس از شنیدن پاسخ ایشان درباره بداء، مشتاقانه از امام(علیه‌السلام) خواست تا درباره آن توضیحات بیشتری دهد(هاشمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۱).

۳-۳-۵ توجه به محتوای پیام گوینده و فهم درست آن

از اصول و ضوابط مهم گفتگو و ارتباط و مفاهمه و تعامل با دیگران پرهیز از جدل و سفسطه است. مهم‌تر اینکه، به جای کوشش در تدارک پاسخ، باید در فهم کلام متکلم کوشید. بر این اساس، می‌توان اذعان داشت، کسی می‌تواند در به‌کارگیری روش مناظره مهارت داشته باشد که طرف مقابل، درک درستی از آنچه او احساس می‌کند و می‌خواهد منتقل کند، داشته باشد(مقامی، ۱۳۸۳: ۵۶) زیرا درک نکردن محتوای پیام گوینده، مشکلی است که می‌تواند فرایند مناظره را به‌طور کلی از جریان اصلی خود دور کند.

امام‌رضا(علیه‌السلام) همواره در مناظره‌های خود لزوم درک و رعایت این اصل را به طرف مناظره گوشزد می‌کرد. برای مثال، به عمران صابئی فرمود: «ای عمران! خبر می‌دهم تو را به آنچه پرسش کردی؛ لکن در آنچه به تو می‌گویم، با تعقل بنگر و در

آنچه پرسش کردی، فهم و عقل پیش آور، زیرا این مطلب، غامض ترین و مشکل ترین مسائل و مطالبی است که بر مردم وارد می شود و کسانی که دارای عقل، فهم و ادراک ثابت نباشند و به جهل و نادانی دچار باشند، از فهم آن عاجز گردند؛ و کسانی که دارای عقل، انصاف، حق خواهی و حق شناسی باشند، از فهم بیچاره نیستند.» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۵۷).

۴-۳-۵ ایجاد محیط آرام

شاید ضروری ترین مسئله در یک گفتگو برای فکر شخصی انسان، وجود محیطی آرام و دور بودن از فضای آمیخته با خشونت باشد که انسان را از بازگشت به خویشتن و اندیشه و تفکر صحیح و منطقی باز می دارد زیرا انسان در حالت رضا و خشنودی خود، گاهی تابع محیط اجتماعی می شود که جامعه، تحت تأثیر فضای خشونت شورانگیزی، فکر شخصی را تأیید و یار د می کند که انسان، به طور ناخودآگاه، تسلیم آن فضا می شود. گویا انسان در آن فضای عمومی، گداخته و ذوب می شود و آزادی فکر و شخصیت خاص و ممتاز خود را از دست می دهد (سادات و قاری، ۱۳۹۱: ۹۲).

امام رضا (علیه السلام) در گفتگوهای خویش علاوه بر رعایت این مسئله (ایجاد محیط آرام) بر حرکت اطرافیان خویش نیز نظارت می کردند و از اینکه محیط برای طرف مقابل متشنج و ناآرام باشد، خشنود نبودند. هنگامی که آن حضرت با سلیمان مروزی به بحث می نشیند و وی را در یک مسئله به بن بست می کشاند، حاضران با خندیدن، فضای مناظره را متشنج می کنند و آرامش محیط را برهم می زنند. در این هنگام امام (علیه السلام) آنان را از این عمل نهی و به حاضران در جلسه می فرماید: «به متکلم خراسان سخت نگیرید و او را اذیت نکنید.» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۵۹).

۴-۵ مؤلفه‌های آزاداندیشانه

این مؤلفه‌ها آن دسته از ویژگی‌های است که بر اصل آزاداندیشی تأکید دارد و هر انسانی را فارغ از هر نژادی، شایسته برخورداری از این حق می‌داند.

۱-۴-۵ آزادی بیان

یکی از شاخص‌های مهم و ارزشمند در مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) آزادی بیان و اندیشه است. آن حضرت به مناظره‌کننده آزادی بیان می‌دهد و او را از این آزادی منع نمی‌کند. حضرت آزادی بیان و اندیشه را از حقوق مسلم انسانی دانسته‌اند لذا در جریان مناظره، طرف مقابل خود را از چنین حق مسلمی محروم نمی‌کنند.

ایشان در مناظره با سلیمان مروزی چنان وی را مجاب فرمود که سلیمان، پنج‌بار، سرگشته و حیران گردید و نتوانست پاسخ دهد. خطاها و اشتباهات وی به اندازه‌ای بود که مأمون و حاضران را به خنده واداشت. از جمله اشتباهات سلیمان این بود که باوجود شنیدن پاسخ‌های قانع‌کننده امام(علیه‌السلام) سخن خود را تکرار می‌کرد. حضرت دوباره این نکته را به وی متذکر می‌شدند و نه تنها شخص امام(علیه‌السلام) بلکه مأمون عباسی نیز به تناقض‌گویی او تصریح می‌کرد. سلیمان تا پایان بحث از تناقض‌گویی دست نکشید و با استفاده از مغالطات جدلی به مطالب پیشین می‌پرداخت(مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۳۳۲) اما امام(علیه‌السلام) با وجود این همه تناقض‌گویی، فرصت پرسش و پاسخ و بحث آزادانه را از او سلب نکردند.

۲-۴-۵ تسامح دینی و احترام به پیروان سایر ادیان و مذاهب

اسلام در رویارویی با بیگانگان و پیروان ادیان الهی با مروت رفتار کرده و اقلیت‌ها را دارای حقوق ویژه‌ای دانسته است. اسلام درباره بیگانگان از سخت‌گیری پرهیز دارد

و تساهل دینی نسبت به آنان را سفارش می‌کند و به سلوک و مهرورزی دستور می‌دهد.

امام‌رضا(علیه‌السلام) در ارتباط خود با پیروان سایر ادیان و مذاهب، اهل مدارا و تسامح و به دنبال آن بودند که با ایجاد یک فضای آرام و به‌دور از هرگونه کشمکش‌های فرقه‌ای و تعصب‌گرایی‌های مذهبی، با مخالفان عقیدتی خود گفتگوی دوستانه و خردمندانه داشته باشند.

آن حضرت با گروه‌های مختلف مذهبی برخوردی محترمانه و خردمندانه داشت و هیچگاه به تحریک احساسات مذهبی نمی‌پرداخت. این مسئله در سیره عملی و مناظرات علمی ایشان با سران و پیروان ادیان و مکاتب روزگار خویش کاملاً نمایان است(همان، ج ۸۱: ۱۹۸).

در یکی از مناظرات و در پاسخ شخصی که از ایشان پرسید: از خاندان شما کسی هست که به شیخین ناسزا گوید؟ ایشان ضمن پاسخ منفی فرمودند: «آن دو را دوست بدار و به آنان مهرورزی کن و برای آنان از خدا آمرزش بخواه.»(نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۷۷).

برخورد امام(علیه‌السلام) با پیروان سایر ادیان و مذاهب خردمندانه و مبتنی بر انصاف بود. یاسر، خدمتگزار امام(علیه‌السلام) می‌گوید: از نیشابور نامه‌ای به مأمون رسید با این مضمون که مردی زرتشتی هنگام مرگ وصیت کرده ثروت زیادی را که از او باقی مانده میان فقرا و بینوایان تقسیم کنند. قاضی نیشابوری، آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام‌رضا(علیه‌السلام) گفت: سرور من، در این موضوع چه میفرمایید؟ امام(علیه‌السلام) فرمود: «زرتشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند. نامه‌ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات مسلمانان بردارد و به بینوایان زرتشتی بدهد.»(ابن بابویه، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۸۲).

امام(علیه‌السلام) نه تنها با عالمان و خواص ادیان برخوردی شایسته داشت بلکه

نسبت به عوام و تودهٔ این فرقه‌ها نیز با رفیق و مدارا رفتار می‌کرد (همان، ج ۱: ۸۹).
رفیق و مدارای امام (علیه‌السلام) در رفتار با غیرمسلمانان و حتی مخالفان به حدی است که راوی می‌گوید: «به امام‌رضا (علیه‌السلام) گفتم: برای پدر و مادرم دعا کنم با اینکه حق امامان و آل پیامبر (علیهم‌السلام) را نشناختند؟ امام (علیه‌السلام) فرمود: برای آنها دعا کن و برایشان صدقه بده و اگر در قید حیات هستند و حق را نمی‌شناسند با آنها مدارا کن زیرا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: خداوند مرا با رحمت مبعوث نمود، نه با درشتی و نامهربانی.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۴۲۶).

۳-۴-۵ پرهیز از جمود فکری و تعصب بی‌جا

امام‌رضا (علیه‌السلام) در مواجهه با پیروان سایر ادیان و به‌طور کلی برخورد با مخالفان، هرگز تعصب را مبنای عمل خود قرار نداده و متعصبانه عمل نمی‌کردند بلکه حتی اگر طرف مقابل آن حضرت اعتقادی به مبنای دین اسلام همچون قرآن و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نداشت، نیز به‌دور از هرگونه تعصب، همان کتابی را که او بدان باور داشت، مبنای مناظره قرار داده و حجت و دلیل را از همان کتاب اقامه می‌کردند تا طرف مقابل نتواند آن را انکار کند.

به عنوان نمونه، پس از آنکه مأمون جلسهٔ مناظره را مهیا کرد جاثلیق به مأمون گفت: ای امیرالمؤمنین! چگونه با کسی مناظره کنم که از کتابی دلیل می‌آورد که ما منکر آن هستیم و از پیامبری سخن می‌گویید که من به وی ایمان ندارم؟ امام (علیه‌السلام) فرمودند: «ای نصرانی، اگر برای تو از انجیل دلیل و حجت بی‌آورم می‌پذیری؟» جاثلیق گفت: آیا قدارم آن چیزی را که انجیل بیان داشته نپذیرم؟ بله، به خدا سوگند اقرار می‌کنم اگر چه علیه من باشد (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۰۴).

۴-۴-۵ داشتن شرح صدر و تحمل عقاید و آرای مخالف

یکی دیگر از ویژگی ها و شاخص هایی که می توان از روند مناظرات امام رضا (علیه السلام) به دست آورد، داشتن سعه صدر و تحمل آرا و نظرهای مخالف است. اگر آن حضرت در طول مناظره با نظر مخالفی مواجه می شد، نه تنها با آن مخالفت نمی کرد بلکه از افکار مخالف نیز استقبال می کرد. در مناظره بین آن حضرت و جاثلیق، جاثلیق زمانی که با استدلال امام (علیه السلام) مواجه می شود که می فرماید: «ما به خدا معتقدیم و به عیسایی که معتقد به نبوت محمد (صلی الله علیه و آله) بود، و ما چیزی علیه عیسی نداریم، مگر ضعف و کمی روزه و نماز او.» در اینجا جاثلیق با شنیدن این سخنان فریاد می زند: به خدا دانش و علم خود را فاسد کردی و امورت ضعیف شد. ما فکر می کردیم تو عالم ترین اهل اسلام هستی. امام (علیه السلام) به آرامی با او روبرو شد و با توجه به خدا انگاشتن عیسی (علیه السلام) توسط مسیحیان، به وی پاسخ داد (طبرسی، ۱۳۳۸، ج ۲: ۴۱۳).

نتیجه گیری

در سیره سیاسی و اجتماعی ائمه معصومین (علیهم السلام) مناظره های امام رضا (علیه السلام) با رهبران و متکلمان برجسته ادیان و فرقه های مختلف، به دلیل بازتاب گسترده ای که در اندیشه اسلام و تشیع داشته، از برجستگی خاصی برخوردار است. مناظره های امام رضا (علیه السلام) یکی از بهترین نمونه ها برای استخراج شاخص ها و مؤلفه های مناظره های مورد تأیید قرآن کریم است. لذا با بررسی و تحلیلی که در میان مناظره های امام رضا (علیه السلام) با متکلمان و رهبران بزرگ ادیان و مذاهب مختلف انجام دادیم، شاخص ها و مؤلفه های برجسته مناظره های آن حضرت را استخراج و آنها را در چهار قالب دسته بندی کردیم: «شاخص های اخلاقی» با مصداق هایی نظیر انصاف مداری در گفتگو، احترام و تکریم متقابل و پرهیز از نقد شخصیت افراد؛ «شاخص های منطقی» با مصداق هایی نظیر نظم و ساختار منطقی

مباحث، استناد به منابع طرف مناظره و تکیه بر دلایل مستدل و مستند، هدف مناظره اقناع و روشنگری، ارائه نتیجه مطلوب، بیان اصول و معیارهای کلی عقلانی و استفاده از مسلمات خصم؛ «شاخص‌های عاطفی» (روحی - روانی) با مصداق‌هایی نظیر مخاطب‌شناسی و عمل طبق مقتضای فهم طرف مناظره، بهره‌گیری از قول لاین، توجه به محتوای پیام گوینده و فهم درست آن، تسلط و آرامش و ایجاد محیط آرام و «شاخص‌های آزاداندیشانه» با مصداق‌هایی نظیر آزادی بیان، تسامح دینی و احترام به پیروان سایر ادیان و مذاهب، پرهیز از جمود فکری و تعصب بی‌جا و داشتن شرح صدر و تحمل عقاید و آرای مخالف.

مبلغان دینی با تحصیل چنین شاخص‌هایی و کاربردی نمودن آنها می‌توانند در تبلیغ و اشاعه فرهنگ و تمدن راستین اسلامی، نقشی راهبردی داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. جاثلیق: واژه‌ای یونانی است به معنای رئیس اسقف‌ها و پیشوای عیسوی. لقبی است که به علمای بزرگ مسیحی داده می‌شد و نام شخص خاصی نیست.
۲. رأس‌الجالوت: لقب دانشمندان و بزرگان ملت یهود بوده و نام شخص خاصی نیست.
۳. هربرز اکبر یا هیرب اکبر: لقبی است که مخصوص بزرگ زردشتیان بود؛ به معنای پیشوای بزرگ مذهبی و قاضی زردشتی و خادم آتشکده.
۴. عمران صابئی: چنانکه از نامش پیداست، از مذهب صابئین دفاع می‌کرد. صابئین گروهی هستند که خود را پیرو یحیی می‌دانند ولی به دو گروه موحد و مشرک تقسیم می‌شوند. گروهی از آنها به ستاره‌پرستی روی آورده‌اند؛ لذا گاه آنها را ستاره‌پرستان می‌نامند. مرکز آنها در قدیم شهر حران در عراق بود و سپس به مناطق دیگری از عراق و خوزستان روی آوردند. آنها طبق عقاید خود بیشتر در کنار نهرهای بزرگ

زندگی می کنند و هم اکنون، گروهی از آنها در اهواز و بعضی مناطق دیگر به سر می برند.

۵. سلیمان مروزی: معروفترین دانشمند علم کلام در سرزمین خراسان در عصر مأمون بود و مأمون برای وی احترام زیادی قائل بود.

۶. علی بن محمد بن جهم: ناصبی و دشمن اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۴ق). عیون اخبار امام رضا (علیه السلام) للشیخ الصدوق. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- _____ (۱۴۱۷ق). عیون اخبار الرضا. تصحیح حسینی لاجوردی. بی جا. بی نا.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. ج ۱۴. بیروت: دارالصادر.
- آمدی، عبدالواحدین محمد تمیمی. (۱۳۴۶). شرح بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. مقدمه، تصحیح و تعلیق: جلال الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد بن مفضل (بی تا). معجم مفردات الفاظ قرآن کریم. ج سوم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سادات، فاطمه؛ قاری، آقا سید محمد. (۱۳۹۱). «ابعاد معرفتی امام رضا (علیه السلام) در برخورد با دانشمندان سایر مذاهب و ادیان». مجموعه مقالات درآمدی بر مناظرات امام رضا (علیه السلام). مشهد: دبیرخانه دائمی جشنواره بین المللی امام رضا (علیه السلام). صص: ۵۹-۱۰۸.
- السید، کمال. (۱۳۷۹). عشق هشتم: نگاهی نو به زندگی و زمانه حضرت معصومه (س). مترجم: حسین سیدی. تهران: انتشارات مدرسه.
- شجاعی گلپایگانی، سیدزین العابدین. (۱۳۷۳). زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام). قم: دفتر نشر مصطفی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۹۶۶ق). الاحتجاج. ج ۲. نجف: دارالنعمان.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۳۸). اعلام الوری باعلام الهدی. ج ۲. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- عطاردی: عزیزالله. (بی تا). اخبار و آثار امام رضا (علیه السلام). بی جا. بی نا.
- قرشی، محمد باقر. (۱۳۸۲). پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا. مترجم: سید محمد صالحی. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قلندری، حمید. (۱۳۸۱). هشتمین امام (علیه السلام): زندگانی، شخصیت، ولا یتعهدی اجباری و باره ای از کرامات و سخنان حضرت امام رضا (علیه السلام); به همراه تحلیلی بر زندگانی و عظمت خواهر کریمه اش حضرت معصومه (س). قم: نشر فراگفت.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۶). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مرتضوی، سید محمد. (۱۳۷۵). نهضت کلامی در عصر امام رضا (علیه السلام). مشهد: آستان قدس رضوی.
- مقامی، حمید. (۱۳۸۳). بررسی فرایند ارتباط کلامی و مبانی آن در تعلیم و تربیت اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر. ج دوم. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

- نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ج ۲. چ سوم. انتشارات آل البیت. بی جا. بی نا.
- هاشمی اردکانی، سیدحسن؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم. (۱۳۸۷). «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امامان معصوم (علیهم السلام) (مطالعه موردی: مناظرات علمی امام رضا علیه السلام)». دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی. ش ۷. پاییز و زمستان ۱۳۸۷. صص: ۲۱-۷.